

## سنجش نقش تعدیل‌کننده‌ی رتبه‌کیفی موسسات حسابرسی بر ارتباط میان استقلال هیئت مدیره و تغییر طبقه‌بندی در بورس اوراق بهادار تهران

فریدون رهنمای رودپشتی

استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آناهیتا زندی

گروه حسابداری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

### چکیده

این پژوهش قصد دارد تحلیل کند که مدیران مستقل و رتبه‌کیفی موسسات حسابرسی به چه میزان می‌توانند جلوی طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها را بگیرند. با استفاده از محدودیت‌های در نظر گرفته شده، تعداد ۱۵۲ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۴۰۱ به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی بهره گرفته شده است. در این پژوهش، استقلال هیئت مدیره با به دست آوردن نسبت مدیران مستقل در هیئت مدیره‌ی شرکت اندازه‌گیری می‌شود و تغییر طبقه‌بندی با استفاده از مدل انتظار سود اصلی به دست می‌آید. نتایج فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهند که شرکت‌هایی که نسبت بالاتری از مدیران مستقل را در هیئت مدیره‌ی خود دارند، در محدود کردن تغییر طبقه‌بندی هزینه کارآمدترند. به علاوه، شرکت‌هایی که حساب‌برسان رتبه الف، آن‌ها را حسابرسی می‌کنند نقش بسزایی در مهار کردن تغییر طبقه‌بندی هزینه دارند. در مجموع، نتایج همچنین نشان می‌دهند که شرکت‌های حسابرسی رتبه الف اثر معناداری در رابطه‌ی میان استقلال هیئت مدیره و تغییر طبقه‌بندی دارند. نتایج این پژوهش کاربردهایی را برای سرمایه‌گذاران، مدیریت، تحلیلگران، و سیاست‌گذاران به همراه دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش روش نوینی از مدیریت سود را به هیئت مدیره و مدیران داخلی و مستقل نشان می‌دهند؛ روشی که تشخیص آن دشوار است.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت سود، تغییر طبقه‌بندی، استقلال هیئت مدیره، رتبه‌کیفی موسسات حسابرسی.

## ۱- مقدمه

پس از مطالعه‌ی مهم و برجسته‌ی جونز<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) در حوزه‌ی مدیریت سود (EM)، در ۳۰ سال گذشته تحقیقات اساسی‌ای صورت گرفته‌است. پژوهشگران به سه روش مدیریت سود پی برده‌اند که عبارتند از مدیریت سود تعهدی (دی چاو و اسکرنند<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴) (AEM)، مدیریت سود واقعی (رویچودهری، ۲۰۰۶)<sup>۳</sup> و تغییر طبقه‌بندی (مک وی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). مدیریت سود تعهدی، گزارش نادرست ارقام حسابداری در محدوده‌های مجاز استانداردهای حسابداری است، در حالی که مدیریت سود واقعی با انحراف از کسب و کار معمولی شرکت، عملکرد اقتصادی را تغییر می‌دهد. تغییر طبقه‌بندی، یکی از روش‌های نوین مدیریت سود است که در آن مدیران برای تورم سود اصلی شرکت، اقلام صورت‌های درآمد را به شکل نادرست طبقه‌بندی می‌کنند و درآمد خالص بدون تغییر باقی می‌ماند. ادبیات فراوانی در خصوص مدیریت سود وجود دارد که در آن مدیران از اختیار برای اثرگذاری بر ارقام حسابداری که بر تصمیمات ذینفعان اثر می‌گذارند، استفاده می‌کنند. تغییر طبقه‌بندی تکنیک جدید مدیریت سود نیز هست که می‌توان آن را با طبقه‌بندی نادرست درآمدها، هزینه‌ها و جریان نقدی اعمال نمود. مدیران با طبقه‌بندی نادرست درآمدهای غیرعملیاتی در درآمدهای عملیاتی در طبقه‌بندی نادرست درآمدها شرکت می‌کنند، در حالی که در طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها، هزینه‌های عملیاتی به شکل نادرست در هزینه‌های غیر عملیاتی (NOE) طبقه‌بندی می‌شوند. در هر دو مورد، سود اصلی شرکت متورم می‌شود، اما تغییری در جمع کل درآمد شرکت<sup>۵</sup> ایجاد نمی‌شود. مدیران همچنین با قرار دادن فعالیت‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در گروه فعالیت‌های عملیاتی جهت بالاتر نشان دادن جریان‌های نقدی عملیاتی، جریان نقدی را به شکل نادرست طبقه‌بندی می‌کنند. هزینه‌های غیرتکرارشونده فراوانی زیادی ندارند و بسیاری از سرمایه‌گذاران از اهمیت اقلام انفرادی در صورت درآمد آگاه نیستند (بهاتاچاریا و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷) که این می‌تواند مدیران را ترغیب به سوء طبقه‌بندی هزینه‌ها نماید. ممکن است مدیران روش تغییر طبقه‌بندی مدیریت سود را اتخاذ کنند چرا که روی درآمد خالص، سود آتی و اقلام تعهدی اثر نمی‌گذارد که این باعث کاهش امکان بررسی و مذاقه توسط

مقامات نظارتی می‌شود (آناناساکو و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹؛ مک وی، ۲۰۰۶).

تغییر طبقه‌بندی در مقایسه با مدیریت سود تعهدی و واقعی مورد غفلت قرار گرفته‌است. پژوهش‌های اخیر در زمینه‌ی تغییر طبقه‌بندی شواهدی را فراهم کرده‌اند مبنی بر اینکه مدیران در تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند چون این امکان را برایشان فراهم می‌کند که این تصور را به وجود بیاورند که معیارهای از پیش تعیین شده‌ی سود تحقق می‌یابند (باروآ و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰). مدیران به چند دلیل در تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند: الف) برای ارائه‌ی ارقام خوب حسابداری و در عین حال انتشار سهام (سو و فاف<sup>۹</sup>، ۲۰۱۳)، ب) برای تطبیق پیش بینی‌های تحلیلگران (هاو و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱)، پ) در ارزش‌گذاری پرتفوی به سود اصلی بیشتر اهمیت داده می‌شود (لاگی و مارکوارت<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴)، ت) شانس شناسایی تغییر طبقه‌بندی (مک وی، ۲۰۰۶) نسبت به مدیریت سود تعهدی و واقعی کمتر است، ث) برای رسیدن به سود اصلی پیش از دوره (فن و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۰). مطالعات اولیه فرض کرده‌اند که توانایی شرکت در تغییر طبقه‌بندی در تمامی شرکت‌ها یکسان است؛ اما در این پژوهش ادعا می‌شود که توانایی شرکت در تغییر طبقه‌بندی متفاوت بوده و حاکمیت داخلی می‌تواند از فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی شرکت بکاهد. مطالعات نشان می‌دهند که مدیریت سود تعهدی با استقلال هیئت مدیره ارتباط منفی دارد (بیسلی<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۶؛ کلین<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۲). همچنین هاو و همکارانش (۲۰۱۱) نیز توانایی حسابرسان در کاهش تغییر طبقه‌بندی را مورد مطالعه قرار دادند.

برخلاف ایالات متحده آمریکا، طرح دعوی علیه حسابرسان در ایران رایج نیست. علاوه بر این، برای حسابرسانی که هوشیاری مناسبی به خرج نمی‌دهند، جریمه‌های مالی کمتری در نظر گرفته می‌شود و اجرای قوانین مرتبط نیز به طور کلی ضعیف است. در ایران نسبت به سایر کشورهای غربی، ریسک کلی دعوی حقوقی به طور قابل توجهی کمتر است. از آنجایی که بی‌توجهی و غفلت نسبت به افشای مشکلات حساب‌های مالی پیامدهای بالقوه‌ی کمتری دارد، ریسک پایین دعوی حقوقی حسابرسان می‌تواند باعث شود که آن‌ها تمایل چندانی به افشای تخلف مشتری نداشته باشند (نارایاناسوامی و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۲).

<sup>9</sup> Barua et al

<sup>10</sup> Siu and Faff

<sup>11</sup> Haw et al

<sup>12</sup> Lougee and Marquardt

<sup>13</sup> Fan et al

<sup>14</sup> Beasley

<sup>15</sup> Klein

<sup>16</sup> Narayanaswamy et al

<sup>1</sup> Jones

<sup>2</sup> Dechow and Schrand

<sup>3</sup> Accrual EM (AEM)

<sup>4</sup> Real EM (REM)

<sup>5</sup> McVay

<sup>6</sup> Bottom line

<sup>7</sup> Bhattacharya et al

<sup>8</sup> Athanasakou et al

دسائی و ناگار<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) پی بردند که در کشوری که ریسک دعوی حقوقی در آن پایین است، حسابرسان علیرغم شناسایی مدیریت سود، تمایل چندانی به ارائه‌ی اظهارنظر شایسته ندارند. مشخص شده که اظهارنظر و تمایل حسابرسان در خصوص گزارش تغییر طبقه‌بندی تحت تأثیر نظام حقوقی کشور مورد عملیات شرکت قرار دارد.

این مطالعه تأثیر استقلال هیئت مدیره، رتبه کیفی موسسات حسابرسی و نقش تعدیل‌کننده‌ی رتبه کیفی موسسات حسابرسی در رابطه‌ی میان استقلال هیئت مدیره و تغییر طبقه‌بندی را در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بررسی می‌کند. این سوال مطرح می‌شود که آیا حاکمیت شرکتی قوی در کشوری مانند ایران، اعمال تغییر طبقه‌بندی را محدود می‌سازد؟ مطالعات زیادی در بازارهای توسعه یافته ای مانند ایالات متحده آمریکا و بریتانیا صورت گرفته‌اند (باروا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ مک وی، ۲۰۰۶؛ زالاتا و رابرتس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶)، اما مطالعات اندکی روی اعمال تغییر طبقه‌بندی در ایران تمرکز داشته‌اند. مطالعات نشان می‌دهند که شرکت‌هایی که در مرحله‌ی افول چرخه‌ی عمر خود قرار دارند برای نشان دادن وجود خود به دینفعان، در تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند (ناگار و سن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷)، و شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی نسبت به هم‌تایان خود بیشتر در تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند (ناگار و سن، ۲۰۱۶a و b)، شرکت‌های دارای درصد بالایی از سهامداران نهادی بیشتر در سوء طبقه‌بندی جریان نقدی شرکت می‌کنند (ناگار و ریتاتا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶؛ ناگار و سن، ۲۰۱۶b)، شرکت‌ها در تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند تا پیش بینی تحلیلگران از سود را که هزینه‌های سرمایه را پایین می‌آورد و به ارزش‌گذاری بالاتر ختم می‌شود محقق سازند (بانسال و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱). این مطالعات نشان می‌دهند که شرکت‌ها در تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند تا سود اصلی بالاتری را ارائه کنند تا به نتایج مطلوب خود برسند. ممکن است مدیران به خاطر مکانیسم‌های حاکمیتی ضعیف و عدم کفایت نظام‌های حمایت از سرمایه گذار، در تغییر طبقه‌بندی شرکت کنند (نارایاناسوامی و همکاران، ۲۰۱۲)، و مالکیت خانوادگی در بسیاری از این شرکت‌ها وجود دارد (مانوگنا و میشر<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱).

برای مثال شرکت‌هایی مانند دل اینک<sup>۸</sup> و سیمبول تکنولوژی<sup>۹</sup> در سوء طبقه‌بندی هزینه‌ها شرکت داشتند (آلفونسو و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۵). همچنین آسی براون باوری (ABB)<sup>۱۱</sup> در سوء طبقه‌بندی درآمد از مبلغ دریافتی از فروش دارایی‌های ثابت شرکت داشت (جونز<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۰).

شواهد چندانی در مورد استقلال هیئت مدیره و رتبه کیفی موسسات حسابرسی برای پایداری به مقررات حسابداری وجود ندارد. این یک پرسش تحقیقی بنیادی است زیرا درآمد و هزینه‌های تکرارشونده و غیرتکرارشونده خیلی تحت نظارت استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS)<sup>۱۳</sup> قرار نمی‌گیرند. در این راستا، یافته‌های این مطالعه این شکاف را پر خواهد کرد و این مطالعه، نقش تعدیل‌کننده‌ی رتبه کیفی موسسات حسابرسی بر ارتباط میان استقلال هیئت مدیره<sup>۱۴</sup> و تغییر طبقه‌بندی<sup>۱۵</sup> در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را بررسی می‌کند.

این پژوهش در ادامه به شرح زیر سازماندهی شده است:

بخش ۲ بررسی ادبیات و توسعه‌ی فرضیه‌ها را پوشش می‌دهد. بخش ۳ نحوه جمع‌آوری داده‌ها و طرح پژوهش را ارائه می‌دهد، بخش ۴ نتایج تجربی و تجزیه و تحلیل را شرح می‌دهد در نهایت، نتیجه‌گیری در بخش آخر ارائه می‌شود.

### مرور ادبیات و توسعه‌ی فرضیه‌ها

ادبیات گسترده‌ای در خصوص مدیریت سود تعهدی (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۴، قاطبی و همکاران، ۱۴۰۳، دی چاو و همکاران<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۵؛ کوتاری و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۵) و مدیریت سود واقعی (رویچودهری، ۲۰۰۶؛ زانگ<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۲) وجود دارد، در حالی که ادبیات موجود در مورد تغییر طبقه‌بندی محدود است. تغییر طبقه‌بندی تکنیک جدیدی از مدیریت سود است که در آن سرفصل‌های اقلام اصلی در صورت درآمد به شکل نادرست طبقه‌بندی می‌شوند، بدون اینکه روی سود خالص شرکت اثری داشته باشد (مک وی، ۲۰۰۶). تغییر طبقه‌بندی روی سود خالص اثر نمی‌گذارد اما روی دیدگاه سرمایه گذاران در مورد مقاومت و رشد شرکت تأثیر می‌گذارد (آلفونسو و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۵). شرکت‌ها بیشتر تمایل دارند که در تغییر طبقه‌بندی شرکت

<sup>11</sup> Asea Brown Boveri (ABB)

<sup>12</sup> Jones

<sup>13</sup> International Financial Reporting Standards (IFRS)

<sup>14</sup> Board independence

<sup>15</sup> Classification shifting (CS)

<sup>16</sup> Dechow et al

<sup>17</sup> Kothari et al

<sup>18</sup> Zang

<sup>19</sup> Alfonso et al

<sup>1</sup> Desai and Nagar

<sup>2</sup> Barua et al

<sup>3</sup> Zalata and Roberts

<sup>4</sup> Nagar and Sen

<sup>5</sup> Nagar and Raithatha

<sup>6</sup> Bansal et al

<sup>7</sup> Manogna and Mishra

<sup>8</sup> Dell Inc

<sup>9</sup> Symbol Technologies

<sup>10</sup> Alfonso et al

مدیره افزایش می‌یابد، انگیزه‌ی مدیران مستقل به صورت انفرادی برای آگاه شدن کاهش می‌یابد (زالاتا و رابرتس، ۲۰۱۶). این مطالعه، کارها و همکاریانش (۲۰۱۱) را دنبال کرده و بررسی می‌کند که آیا شرکت‌های رتبه الف حسابرسی می‌تواند جلوی فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی را بگیرد. از این رو در این پژوهش از هر دو رویکرد پیروی می‌شود و استقلال هیئت مدیره و شرکت‌های حسابرسی رتبه الف در نظر گرفته می‌شود.

هاو و همکاریانش (۲۰۱۱) توانایی حسابرس را در محدود کردن فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی بررسی کردند و یافته‌های آنان نشان می‌دهد که موسسات برتر حسابرسی که فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی را محدود می‌کنند در کشورهایی که نظام مبتنی بر قانون عرفی<sup>۶</sup> دارند نسبت به کشورهایی که از یک نظام مبتنی بر قانون مدنی<sup>۷</sup> پیروی می‌کنند بیشتر قابل اطلاق است. با اینحال، هاو و همکاریانش (۲۰۱۱) ادعا کردند که این یافته‌ی آنان چندان قابل تعمیم دادن به کشورهای خارج از نمونه نیست که این به خاطر چارچوب حاکمیت شرکتی کشورها است. این مطالعه، کارها و همکاریانش (۲۰۱۱) را دنبال کرده و بررسی می‌کند که آیا شرکت‌های رتبه الف حسابرسی می‌تواند جلوی فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی را بگیرند. ادبیات گسترده‌ی نشان می‌دهد که شرکت‌های برتر حسابرسی (۴ بزرگ)، حسابرسی با کیفیت‌تری را نسبت به سایر شرکت‌ها ارائه می‌کنند (کیم و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ کریشنان<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳). شرکت‌های برتر حسابرسی، بیشتر در مورد تداوم فعالیت شرکت اظهار نظر ارائه می‌دهند. آن‌ها اطمینان حاصل می‌کنند که گزارش‌های مالی ارائه‌کننده‌ی تصویری درست از شرکت هستند، حسابداری متهورانه‌ای در کار نیست و شرکت‌ها در فعالیت‌های مدیریت سود شرکت ندارند. این بیانگر این است که شرکت‌های برتر حسابرسی روی ارائه‌ی کیفیت سود واقعی شرکت تأکید دارند. این شرکت‌ها می‌خواهند از تصویر برند خود محافظت کنند، چیزی که در صورت پیدا شدن دستکاری در گزارشات مالی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (دی آنجلو، ۱۹۸۱). شرکت‌های برتر حسابرسی یک موجودیت جهانی دارند که می‌خواهند آن را حفظ کنند (سیمونیک و اشتین<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۷) و نمی‌خواهند که تصویرشان محدود شود. بنابراین فرض ما مبنی بر این است که اولاً نسبت بالاتر استقلال هیئت مدیره و شرکت‌های رتبه الف حسابرسی تضمین می‌کند که گزارش‌های مالی دستکاری نمی‌شوند و عاری از سوگیری هستند و این موضوع باعث رسیدن به گزارش‌های

کنند، زیرا برخلاف مدیریت سود تعهدی، تشخیص تغییر طبقه‌بندی دشوار است (نلسون و همکاران، ۲۰۰۲). برای مدیران سودآور تلقی می‌شود، زیرا یک تکنیک کم‌هزینه‌ی مدیریت سود است و بر ارقام تعهدی تأثیری ندارد، بنابراین هیچ جایی برای برگشت ارقام تعهدی در آینده که ممکن است برای مدیران نگرانی ایجاد کند، ایجاد نمی‌شود (آتاناساکو و همکاران، ۲۰۱۱). شرکت‌ها در سه ماهه‌ی آخر سال در فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند تا سرمایه‌گذاران را گمراه کنند (فن و همکاران، ۲۰۱۰). ناگار و سن (۲۰۱۶) وجود فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی را اثبات کرده و توضیح دادند که در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند، شانس تشخیص تغییر طبقه‌بندی دشوار است. بنابراین اقدامات قوی حاکمیت شرکتی می‌تواند از فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی جلوگیری کند. هاو و همکاریانش (۲۰۱۱) هشت کشور آسیای شرقی را مورد مطالعه قرار دادند و پی بردند که نظام‌های حقوقی قوی می‌توانند از تغییر طبقه‌بندی بکاهند. اگر رابطه‌ی منفی میان حاکمیت داخلی قوی و تغییر طبقه‌بندی وجود داشته باشد می‌توان این موضوع را مطرح کرد که حاکمیت داخلی می‌تواند چنین دستکاری‌هایی را محدود سازد. در مقابل، رابطه‌ی مثبت میان این دو می‌تواند بیانگر ناتوانی در تشخیص فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی مدیران باشد. پرسشی که در اینجا وجود دارد این است: چگونه می‌توان گفت که حاکمیت یک شرکت آنقدر صلاحیت دارد که بتواند تغییر طبقه‌بندی را تشخیص دهد؛ پرسشی که تاکنون در مورد پاسخ آن اتفاق نظری وجود نداشته است. طبق نظریه‌ی ترکیب هیئت مدیره<sup>۱</sup> (فاما<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰؛ فاما و جنسن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳)، باید اطمینان حاصل شود که هیئت مدیره از منافع سهامداران محافظت کرده و می‌کوشد از هزینه‌های نمایندگی بکاهد. آن‌ها مخصوصاً به اهمیت استقلال هیئت مدیره در بهبود نظارت اشاره کردند. مدیران مستقل که مسئول نقض هنجارهای حسابداری و الزامات افشاگری هستند بیشتر در معرض دست دادن مدیریت خود می‌باشند (بی‌دارد و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴).

در مقابل، مدیران مستقلی که از تخصص در نظارت و کاهش حسابداری متهورانه<sup>۵</sup> برخوردارند بیشتر احتمال دارد که در سایر شرکت‌ها به مدیریت برسند (زالاتا و رابرتس، ۲۰۱۶). این نشان می‌دهد که نسبت بالاتری از مدیران مستقل در هیئت مدیره مطلوب است، اما نمی‌توان اطمینان داشت که مزیت‌های فوق همیشه حاصل شوند. وقتی نسبت مدیران مستقل در هیئت

<sup>6</sup> Common-law-based regime

<sup>7</sup> Civil-law-based regimes

<sup>8</sup> Kim et al

<sup>9</sup> Krishnan

<sup>10</sup> Simunic and Stein

<sup>1</sup> Board composition theory

<sup>2</sup> Fama

<sup>3</sup> Fama and Jensen

<sup>4</sup> Be'dard et al

<sup>5</sup> Aggressive accounting

در مدیریت سود، ترجیح می‌دهند که تغییر طبقه بندی را انتخاب کنند.

بانسل (۲۰۲۳)، ارتباط کیفیت حسابرسی و تغییر طبقه بندی را مورد بررسی قرارداد. یافته‌های استنتاج شده از شواهد تجربی نشان می‌دهد که کیفیت برتر حسابرسی اثر محدود کننده ای بر طبقه بندی نادرست هزینه دارد، که نشان دهنده اثربخشی حسابرسان با کیفیت بالا در مهار اشتباه سازمانی در تغییر طبقه بندی است.

نگار و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تاثیر ۴ موسسه بزرگ حسابرسی بر تغییر طبقه بندی هزینه پرداختند. هدف تحقیق فوق، بررسی تاثیر ۴ موسسه بزرگ حسابرسی بر احتمال تغییر طبقه‌بندی در مکان‌هایی که اجرای قوانین ضعیف است، می‌باشد. ۴ شرکت بزرگ حسابرسی، به دلیل فعالیت‌های جهانی خود، انگیزه‌هایی برای توسعه و حفظ شهرت قوی و یکنواخت در سطح جهانی دارند. مطابق با این استدلال، بکارگیری ۴ موسسه بزرگ حسابرسی در هند با سطوح پایین‌تری از تغییر طبقه‌بندی همراه است. نتایج نشان داد که ۴ موسسه بزرگ حسابرسی احتمالاً هزینه‌های بالای قابل توجهی نسبت به ۴ موسسه غیر بزرگ حسابرسی دریافت می‌کنند که به نوبه خود با کاهش قابل توجهی در تغییر طبقه بندی همراه است.

زالتا و روبرت (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و شیوه‌های تغییر طبقه بندی پرداختند. هدف تحقیق فوق، رابطه بین حاکمیت شرکت‌ها و کمیته‌های حسابرسی از طریق اصول حسابداری به طور کلی پذیرفته شده و شیوه‌های تغییر طبقه بندی است. بنابراین این مطالعه بررسی می‌کند که آیا حاکمیت شرکت داخلی تغییر طبقه بندی را محدود می‌کند. نتایج نشان داد حاکمیت داخلی با کیفیت بالا، از نظر کیفیت کلی کمیته‌های هیئت مدیره و حسابرسی، تغییر طبقه بندی را کاهش می‌دهد، بنابراین به نظر می‌رسد که استقلال هیئت مدیره به کاهش تغییر طبقه بندی کمک می‌کند.

### روش شناسی پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌هایی می‌باشند که در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۴۰۱ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته‌اند. نمونه آماری این تحقیق آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هستند که از طریق غربالگری و با توجه به محدودیت‌های زیر انتخاب می‌شوند:

- ۱) نمونه تغییر سال مالی نداشته باشد به عبارتی پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد. اگر شرکت‌ها تغییر سال مالی داشته باشند داده‌ها در بازه زمانی مشخصی برای انجام تحقیق قرار نمی‌گیرند.

مالی واقعی، عادلانه و معتبر می‌شود. از طرفی فرض این پژوهش مبنی بر این است که موسسات دارای رتبه کیفی الف حسابرسی در ایران، بیشتر در مهار فعالیت‌های مدیریت سود شرکت خواهند کرد. با توجه به مطالب بیان شده فرضیه‌های این پژوهش اینگونه مطرح می‌شود:

- ۱) نسبت بالاتر استقلال هیئت مدیره با احتمال کمتر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها همراه است.
- ۲) شرکت‌هایی که توسط موسسات رتبه کیفی الف حسابرسی، حسابرسی می‌شوند کمتر در طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها شرکت می‌کنند.
- ۳) موسسات حسابرسی رتبه الف ارتباط بین استقلال هیئت مدیره و طبقه بندی نادرست هزینه را تعدیل می‌کنند.

### پیشینه پژوهش

یزدی نژاد و نورانی (۱۴۰۲)، به بررسی تاثیر استقلال هیئت مدیره بر ویژگی‌های حسابرسی پرداختند. هدف تحقیق فوق، بررسی تاثیر استقلال هیئت مدیره بر رابطه میان ویژگی‌های حسابرسی و تاخیر در گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج نشان داد که بین ویژگی‌های حسابرسی و تاخیر در گزارش حسابرسی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. دلیل این امر این است که حسابرسی با کیفیت، منجر به کوتاه‌تر شدن تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌شود. همچنین نتایج تحقیق نشان داده است که استقلال هیئت مدیره بر رابطه میان ویژگی‌های حسابرسی و تاخیر در گزارش حسابرسی تاثیر معناداری دارد.

صادقی (۱۳۹۸)، به بررسی نقش استقلال هیئت مدیره در مدیریت سود واقعی پرداخت. هدف تحقیق فوق، بررسی نقش اندازه و استقلال هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه معناداری وجود دارد. اما بین استقلال هیئت مدیره و استقلال کمیته حسابرسی رابطه‌ای مشاهده نشد.

فانسل (۲۰۲۴)، به بررسی این موضوع پرداخت که آیا شرکت‌های مسئولیت پذیر اجتماعی از تغییر طبقه بندی هزینه برای مدیریت سود استفاده می‌کنند یا خیر. نتایج نشان می‌دهد که یک ارتباط مثبت و معنادار بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت و استفاده نسبی از تغییر طبقه بندی وجود دارد. در حالی که شرکت‌های مسئولیت پذیر اجتماعی در سطوح پایین‌تری از مدیریت سود شرکت می‌کنند، هنگام درگیر شدن

می‌دهند تا سود اصلی شرکت را افزایش داده و جمع کل درآمد را دست نخورده نگه دارند.

$$UE\_CE_t = a_0 + \alpha_1 NOE_t + \varepsilon_t$$

(۲)

در جایی که NOE هزینه‌های غیرعملیاتی است که با کم کردن سود خالص از سود اصلی به دست می‌آید (زالاتا و رابرتس، ۲۰۱۶).

برای بررسی فرضیه‌ی ۱، از معادله‌ی ۳ استفاده می‌شود:

$$UE\_CE_t = f_0 + f_1 NOE_t * HIGHID_{i,t} + f_2 NOE_t * LOWID_{i,t} + f_3 A\_DISX_{i,t} + f_4 A\_PROD_{i,t} + f_5 A\_ACC_{i,t} + f_6 SIZE_{i,t} + f_7 LEV_{i,t} + f_8 GROWTH_{i,t} + f_8 AGE_{i,t} + \varepsilon_t$$

(۳)

مقدار UE\_CE از معادله‌ی (۱) گرفته می‌شود، NOE هزینه‌ی غیرعملیاتی است، HIGHID نشان می‌دهد اگر نسبت مدیران مستقل بیش از ۵۰٪ باشد ۱ و در غیر اینصورت صفر است، LOWID نشان می‌دهد اگر نسبت مدیران مستقل برابر یا کمتر از ۵۰٪ باشد ۱ و در غیر اینصورت صفر است. NOE\*HIGHID و NOE\*LOWID متغیر تعاملی در معادله‌ی (۳) هستند. A\_DISX هزینه‌ی تعهدی غیرعادی است، A\_PROD هزینه‌ی تولید غیرعادی است، و A\_ACC اقلام تعهدی است. باقیمانده‌ی معادله‌ی (۴)، معادله‌ی (۵) و معادله‌ی (۶) به ترتیب A\_PROD، A\_DISX و A\_ACC را ارائه می‌کنند.

$$DISX_t / AT_{t-1} = \Omega_0 + \Omega_1 (1 / AT_{t-1}) + \Omega_2 (SALE_t / AT_{t-1}) + \varepsilon_t$$

(۴)

$$PEOD_t / AT_{t-1} = \delta_0 + \delta_1 (1 / AT_{t-1}) + \delta_2 (SALE_t / AT_{t-1}) + \delta_3 (\Delta SALE_t / AT_{t-1}) + \varepsilon_t$$

(۵)

$$ACC_t / AT_{t-1} = \xi_0 + \xi_1 (1 / AT_{t-1}) + \xi_2 ((\Delta SALE_t - \Delta Rec_t) / AT_{t-1}) + \xi_3 (PPE_t / AT_{t-1}) + \xi_4 (ROA_{t-1}) + \varepsilon_t$$

(۶)

در جایی که DISX کل هزینه‌های اجرایی و عمومی فروش و هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D)، AT کل دارایی‌ها، PROD مجموع هزینه‌ی کالاهای فروخته شده و تغییرات در موجودی کالا می‌باشند؛ ACC با کم کردن CFO از درآمد خالص تعیین می‌شود، Rec حساب‌های دریافتی، PPE جمع کل اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و ROA بازده دارایی‌ها است.

بر اساس مطالعات قبلی، A\_PROD، A\_DISX و A\_ACC به عنوان شاخص مدیریت سود واقعی در نظر گرفته می‌شوند

(۲) قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته شده و تا پایان دوره پژوهش در بورس فعال باشند. اگر در دوره زمانی در بورس نباشد نمی‌توانیم از اطلاعات آنها جهت انجام تحلیل داده‌ها استفاده کنیم.

(۳) اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها برای مطالعات و محاسبات تحقیق، در طول دوره در دسترس باشد.

(۴) شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک‌ها) از نمونه آماری حذف گردیدند. به دلیل تفاوت فعالیت‌ها و صورتهای مالی حذف می‌گردند.

از میان جامعه آماری تنها ۱۵۲ شرکت در ۱۰ سال تمام معیارهای مذکور را احراز کرده‌اند و لذا از آنها به عنوان نمونه در پژوهش حاضر استفاده شده است.

### مدل و متغیرهای پژوهش

اندازه‌گیری تغییر طبقه‌بندی هزینه. برای اندازه‌گیری تغییر طبقه‌بندی هزینه مدل انتظار سود اصلی که مک‌وی (۲۰۰۶) مطرح نمود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. شرکت‌هایی که هزینه‌های عملیاتی خود را به هزینه‌های غیرعملیاتی تغییر می‌دهند دارای سود اصلی غیرمنتظره‌ی مثبت هستند. معادله‌ی زیر برای اندازه‌گیری سود اصلی غیرمنتظره<sup>۱</sup> به کار می‌رود:

$$CE_t = \beta_0 + \beta_1 CE_{t-1} + \beta_2 ATO_t + \beta_3 ACC_t + \beta_4 ACC_{t-1} + \beta_5 \Delta Sales_t + \beta_6 \text{Neg } \Delta Sales_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در جایی که CE سود اصلی شرکت است که با کم کردن COGS (بهای تمام شده کالاهای فروخته شده) و SGA (هزینه‌های اجرایی و عمومی فروش) از فروش خالص تعیین می‌شود. ATO نسبت گردش دارایی شرکت است، ACC اقلام تعهدی است که با کم کردن CFO (جریان نقدی حاصل از عملیات) از NIBE (درآمد خالص) محاسبه می‌شود. اگر درصد تغییر فروش منفی باشد، Neg\_ΔSales، مقدار یک می‌گیرد و در غیر اینصورت صفر است. به جز نسبت گردش دارایی، متغیرهای این معادله تقسیم بر فروش ۱ سال گذشته می‌شوند. ارزش باقیمانده‌ی معادله‌ی (۱) سود اصلی غیر منتظره (UE\_CE) است.

**مدل تجربی.** شرکت‌ها در طبقه‌بندی نادرست هزینه شرکت می‌کنند تا سود اصلی بالاتری به دست بیاورند. ضریب مثبت NOE (در معادله‌ی ۲) نشان می‌دهد که شرکت‌ها هزینه‌های عملیاتی خود را به هزینه‌های غیرعملیاتی تغییر

<sup>1</sup> Unexpected core earnings

بیشتری برای مشارکت در شیوه‌های تغییر طبقه‌بندی داشته باشند (گال و همکاران، ۲۰۰۹).  
برای بررسی فرضیه‌ی ۲ از معادله‌ی (۷) استفاده می‌شود:

$$UE_{CE_t} = \lambda_0 + \lambda_1 NOE * BIG_{-4_{it}} + \lambda_2 NOE * NONBIG_{-4_{it}} + \lambda_3 A\_DISX_{it} + \lambda_4 A\_PROD_{it} + \lambda_5 A\_ACC_{it} + \lambda_6 SIZE_{it} + \lambda_7 LEV_{it} + \lambda_8 GROWTH_{it} + \lambda_8 AGE_{it} + e_t \quad (7)$$

BIG-4 در صورتی که شرکت توسط موسسات حسابرسی رتبه کیفی الف حسابرسی (موسسات حسابرسی رتبه کیفی الف به غیر از سازمان حسابرسی) شده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت ۰ است.

NONBIG-4 در صورتی که شرکت توسط موسسات حسابرسی رتبه کیفی غیر الف حسابرسی (موسسات حسابرسی رتبه کیفی ب، ج و د) شده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت ۰ است.

NOE\*BIG-4 و NOE\*NONBIG-4 متغیرهای تعاملی هستند. بقیه‌ی متغیرها همانند متغیرهای توصیف شده برای معادله‌ی (۳) هستند.

معادله‌ی (۸) برای بررسی فرضیه‌ی ۳ به کار می‌رود؛ بر اساس این فرضیه انتظار می‌رود، شرکت‌هایی که دارای نسبت بالایی از استقلال هیئت مدیره بوده و توسط موسسات حسابرسی رتبه کیفی الف حسابرسی می‌شوند، در مقایسه با شرکت‌هایی که استقلال هیئت مدیره کمتری داشته و توسط شرکت‌های حسابرسی غیر موسسات حسابرسی رتبه کیفی الف حسابرسی می‌شوند، کمتر در طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها شرکت می‌کنند:

$$UE_{CE_t} = w_0 + w_1 NOE * HIGHID * BIG_{-4_{it}} + w_2 NOE * LOWID * NONBIG_{-4_{it}} + w_3 A\_DISX_{it} + w_4 A\_PROD_{it} + w_5 A\_ACC_{it} + w_6 SIZE_{it} + w_7 LEV_{it} + w_8 GROWTH_{it} + w_8 AGE_{it} + e_t \quad (8)$$

تمامی متغیرهای معادله‌ی (۸) در بخش قبلی این مطالعه شرح داده شدند.

(رویچودهری، ۲۰۰۶؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰؛ زانگ، ۲۰۱۲). شرکت‌هایی که از طریق دستکاری فروش در فعالیت‌های مدیریت سود واقعی شرکت می‌کنند، بیش از مقدار لازم تولید می‌کنند و از هزینه‌های تعهدی می‌کاهند. این موارد در پایین شرح داده می‌شوند:

(۱) دستکاری فروش: مدیران می‌توانند با ارائه‌ی تخفیف‌های بسیار بزرگ و ارائه‌ی شرایط سخاوتمندانه برای افزایش ارزش فروش، فروش‌ها را دستکاری کنند.  
(۲) تولید بیش از حد: تولید بیش از مقدار لازم باعث افزایش موجودی نهایی و کاهش هزینه‌ی کالاهای فروخته شده می‌گردد.

(۳) کاهش هزینه‌های تعهدی: مدیران از هزینه‌های تعهدی می‌کاهند تا سود بالاتری را در سال جاری ارائه کنند. موارد (۱) و (۲) جریان نقدی ورودی ضعیف به وجود می‌آورند و همچنین نسبت هزینه‌ی تولید به فروش بالا می‌رود، در حالی که کاهش هزینه‌های تعهدی از جریان نقدی به بیرون می‌کاهد. A\_ACC شاخص مدیریت سود تعهدی است که از مدل تعدیل شده‌ی جونز که کوتاری و همکارانش (۲۰۰۵) پیشنهاد کردند گرفته شده است (حساس خلاصی و همکاران، ۱۴۰۲).

متغیرهای کنترلی که در مدل لحاظ شدند اندازه شرکت، اهرم مالی (نسبت مجموع بدهی‌ها به کل دارایی‌ها)، رشد فروش (درصد تغییرات در فروش) و سن شرکت (لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت) هستند. شرکت‌های بزرگ به واسطه‌ی نظارت و مقررات، انتظار نمی‌رود که در فعالیت‌های مدیریت سود شرکت کنند (پایوا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹؛ بنسل، ۲۰۲۱). اهرم مالی نیز به عنوان یک متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود زیرا بدهی به واسطه‌ی تعهدات محدودکننده، جلوی تغییر طبقه‌بندی توسط مدیران را می‌گیرد (فن و همکاران، ۲۰۱۹).

مطابق با ادبیات نمایندگی، بدهی در ترازنامه رفتار مدیران را مهار می‌کند، زیرا ممکن است وام دهندگان رفتار مدیران را نظارت کنند. رشد نیز یک متغیر کنترلی دیگر است و اینطور در نظر گرفته می‌شود که شرکت‌هایی که در مرحله‌ی بالایی از رشد قرار گرفته‌اند بیشتر در تغییر طبقه‌بندی شرکت می‌کنند (مکوی، ۲۰۰۶). در نهایت، سن شرکت نیز یک متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود. دلیل اینکه شرکت‌های جوان‌تر ممکن است برای استفاده از منابع مالی مؤسسات مالی مدیریت سود را اتخاذ کرده و بنابراین، موقعیت مالی خوبی داشته باشند. بنابراین، انتظار می‌رود که شرکت‌های جوان‌تر، از نظر سنی، امکان

<sup>۱</sup> Paiva et al

### یافته‌های پژوهش

#### آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای بازده دارایی‌ها ۰/۴۵۸۱ می باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان

پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۳۲۷ می‌باشد.

#### مانایی متغیرهای پژوهش

براساس نتایج آزمون مانایی (لوین لین و چو) مطابق جدول (۲) همه متغیرهای حاضر در سطح صفر مانا می باشند. (سطح معناداری همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است)

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
UE_CE	۰/۶۲۲	۰/۶۱۸	۱/۲۶۳	-۰/۲۲۲	۰/۳۲۱
HIGHID	۰/۸۲۲	۱	۱	۰	۰/۳۸۱
LOWID	۰/۱۷۷	۰	۱	۰	۰/۳۸۰
NOE/ Salest-1	۰/۵۷۱	۰/۲۴۳	۱/۲۴۰	-۱	۰/۹۶۰
BIG4	۰/۹۵۲	۱	۱	۰	۰/۳۱۲
NONBIG4	۰/۰۴۷	۰	۱	۰	۰/۳۱۲
SIZE	۶/۴۷۵	۶/۳۶۵	۹/۱۴۵	۴/۵۷۴	۲/۷۲۳
LEV	۰/۵۸۹	۰/۵۵۴	۰/۶۱۸	۰/۰۳۱	۰/۳۲۷
GROWTH	۰/۵۷۱	۰/۲۴۳	۱/۲۴۰	-۱	۰/۹۶۰
AGE	۱/۵۸۰	۱/۶۳۳	۱/۸۵۰	۰/۴۷۷	۰/۱۸۰
ROA	۰/۴۵۸	۰/۱۲۵	۰/۶۰۶	-۰/۵۸۱	۰/۴۷۵
APEOD	۰/۰۰۴	۰/۱۹۸	۰/۷۲۳	-۰/۳۱۰	۰/۳۱۲
AACC	۰/۱۳۱	۰/۱۱۸	۰/۴۰۱	-۰/۰۲۵	۰/۱۵۵
ADISK	۰/۰۸۵	۰/۰۷۵	۰/۰۹۵	-۰/۳۶۰	۰/۱۷۵

جدول ۲- مانایی متغیرهای پژوهش

نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
UE_CE	-۱۸/۶۴۱۴	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
HIGHID	-۱۸/۲۳۷۲	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(1)
LOWID	-۴/۱۲۵۰۴	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
NOE/ Salest-1	-۲۶/۹۵۳۵	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
BIG4	-۷/۰۶۷۷۷	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
NONBIG4	-۹/۲۱۴۵	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
SIZE	-۱۶/۳۷۱۴	۰/۰۲۳۰	مانا/ I(0)
LEV	-۱۰۸۳/۸۷	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
GROWTH	-۲۱/۲۱۴	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
AGE	-۲۹/۶۰۹۸	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
ROA	-۱۷/۲۱۴۵	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
APEOD	-۱۶/۲۱۴۵	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)
AACC	-۲/۳۲۰۵۲	۰/۰۱۰۲	مانا/ I(0)
ADISK	-۱۲/۲۱۴۵	۰/۰۰۰۰	مانا/ I(0)

<sup>1</sup> Levin, Lin and Chu

### نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

ضریب  $NOE*BIG-4$  منفی است ( $-0/032$ ) و در سطح ۵ درصد معنادار است (مقدار  $t = -3/77$ ) که نشان می‌دهد شرکت‌هایی که توسط شرکت‌های حسابرسی رتبه الف حسابرسی می‌شوند روی  $UE\_CE$  اثر منفی می‌گذارند و در طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها شرکت نمی‌کنند. ضریب  $NOE*NONBIG-4$  مثبت ( $1/34$ ) و در سطح ۵ درصد (مقدار  $t = 74/46$ ) معنادار است. یافته‌های مربوط به سایر متغیرهای کنترلی همانند معادله‌ی (۳) می‌باشند. این نشان می‌دهد که شرکت‌های حسابرسی رتبه الف ممکن است به خاطر اینکه باید تصویر، اعتبار و خوشنامی خود را حفظ کنند جلوی فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی را بگیرند. در صورت فاش شدن هر گونه فعالیت مدیریت سود، اعتبار شرکت‌های حسابرسی رتبه الف در مقایسه با سایر شرکت‌های حسابرسی، بیشتر به خطر می‌افتد (ناگار و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، در کشوری مانند ایران با قابلیت اجرایی کمتر قانون، حسابرسان شرکت‌های حسابرسی رتبه الف خدمات حسابرسی بهتری را ارائه می‌دهند.

جدول ۴ نتایج مدل رگرسیون معادله‌ی (۷) را ارائه می‌کند.

جدول ۵ نتایج مدل رگرسیون معادله‌ی (۸) را ارائه می‌کند.

برای ارزیابی اثر تعدیل‌کننده‌ی شرکت‌های حسابرسی رتبه الف در رابطه‌ی میان استقلال هیئت مدیره و تغییر طبقه‌بندی از متغیرهای تعاملی استفاده می‌شود. ضریب منفی  $NOE*HIGHID*BIG-4$  نشان می‌دهد که وقتی شرکتی در هیئت مدیره خود بیش از ۵۰٪ مدیر مستقل دارد و توسط شرکت‌های رتبه الف حسابرسی می‌شود، روی طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها تأثیر منفی دارد، در حالی که ضریب  $NOE*LOWID*NONBIG-4$  مثبت و معنادار است. این نشان می‌دهد که وقتی شرکتی در هیئت مدیره‌ی خود بیش از ۵۰٪ مدیر مستقل دارد و توسط شرکت‌های حسابرسی رتبه الف حسابرسی می‌شود، این از شانس طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها می‌کاهد. این یعنی شرکت‌های حسابرسی رتبه الف، رابطه‌ی میان استقلال هیئت مدیره و تغییر طبقه‌بندی را تعدیل می‌کنند.

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، برای بررسی درستی مدل، از معیارهای ضریب تعیین ( $R^2$ ) و دوربین واتسون ( $D-W$ ) و برای بررسی معنی داری مدل نیز از آماره  $F$  استفاده می‌شود. همان طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین در دو سطح، بدین معنی است که قدرت توضیح دهنده‌ی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین - واتسون در بازه  $1/5$  تا  $2/5$  نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار احتمال آماره  $F$  به ترتیب برابر با  $0/00$  می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از  $0/05$  است لذا معنی داری مدل تایید می‌شود. ضمناً، با توجه به اینکه مقدار عامل تورم واریانس ( $VIF$ ) برای تمامی متغیرهای تحقیق کمتر از عدد پنج است، مشکل هم خطی در مدل وجود ندارد. جدول (۳) نتایج مدل رگرسیون اثر ثابت را برای معادله‌ی (۳) ارائه می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهند که  $NOE*HIGHID$  و  $NOE*LOWID$  دارای یک ضریب مثبت و معنادار به ترتیب در سطح ۵ درصد می‌باشند (مقدار آماره  $t$  به ترتیب برابر با  $6/10$  و  $7/49$ ). این نتیجه نشان می‌دهد که مدیران صرف‌نظر از نسبت مدیران مستقل در هیئت مدیره، هزینه‌ها را به طور نادرست طبقه‌بندی کرده‌اند. در واقع می‌توان پی برد که وجود مدیران مستقل، فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی را محدود نمی‌سازد. دلیل این موضوع می‌تواند این باشد که تصمیمات مدیران به طور قابل توجهی روی هیات مدیره اثر می‌گذارد (منگالا و سینگلا، ۲۰۲۱). به‌تازگی، ۲۰۱۴ نیز در پژوهش خود عنوان می‌کند که هیئت مدیره، تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیریت را بی‌چون و چرا تصدیق می‌کند. از میان متغیرهای کنترلی، اندازه و اهرم مالی نقش قابل توجهی طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها ندارند، اما سن و رشد عوامل معناداری هستند. شرکت‌های قدیمی‌تر بیشتر در طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها شرکت می‌کنند تا شرکت‌های جوان‌تر. شرکت‌های دارای نرخ رشد بالا در طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها شرکت نمی‌کنند.

جدول ۳. نتایج رگرسیون مدل اول پژوهش

متغیر	ضرایب	آزمون t	سطح معناداری	VIF
NOE*HIGHID	0/28523	6/104693	0/0000	2/718990
NOE*LOWID	0/189916	7/491919	0/0000	2/684589
DISX	0/151388	47/06622	0/0000	2/537005
PROD	-0/947081	-54/86369	0/0000	2/508209
ACC	-0/200419	-2/419498	0/1058	1/217363

متغیر	ضرایب	آزمون-t	سطح معناداری	VIF
SIZE	۰/۱۱۳۵۱۶	۰/۵۵۲۳۴۴	۰/۵۸۰۹	۱/۳۲۴۵۰۰
GROWTH	-۰/۰۸۳۳۵۱	-۶/۳۲۰۲۱۵	۰/۰۰۰۰	۱/۳۱۹۸۸۱
AGE	۰/۸۸۶۲۱۸	۲/۵۲۴۲۹	۰/۰۱۱۸	۱/۱۴۴۱۰۴
LEV	۰/۱۲۷۶۰۴	۱/۰۷۶۴۰۵	۰/۲۸۲۱	۱/۳۱۴۲۷۸
عرض از مبدا	-۲/۱۳۷۸۰۵	-۲/۵۹۷۲۸۳	۰/۰۰۹۶	-
ضریب تعیین		۰/۷۹		
آماره F		۵/۸۳۶۱۵۷		
احتمال آماره F		۰		
دوربین واتسن		۱/۷۳۳۱۵۳		

جدول ۴- نتایج فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضرایب	آزمون-t	سطح معناداری	VIF
NOE*BIG-4	-۰/۰۳۲۳۵۶	-۳/۷۷۹۸۶۰	۰/۰۰۰۲	۲/۹۹۳۸۳۵
NOE*NONBIG-4	۱/۳۴۷۶۴۰	۷۴/۴۶۵۴۴	۰/۰۰۰۰	۲/۹۹۳۵۵۹
DISX	۰/۶۶۵۰۳۳	۲/۶۰۵۶۴۹	۰/۰۰۹۴	۱/۳۱۷۴۳۸
PROD	۱/۱۸۵۶۳۰	۳/۲۸۵۱۲۱	۰/۰۰۱۱	۱/۱۴۱۴۴۰
ACC	۰/۹۴۹۸۸۲	۳/۰۵۶۷۵۵	۰/۰۰۲۳	۱/۳۱۶۶۶۸
SIZE	-۰/۳۳۵۴۶۲	-۱/۱۷۴۹۱۷	۰/۲۴۰۴	۱/۱۷۸۳۷۴
GROWTH	-۰/۶۹۴۰۴۴	-۲/۲۵۵۰۸۳	۰/۰۲۴۴	۱/۱۷۱۳۵۴
AGE	۱/۳۵۵۴۱۹	۳/۰۸۲۲۸۰	۰/۰۰۲۱	۱/۱۲۶۵۶۷
LEV	۰/۱۶۳۰۳۵	۱/۲۰۴۵۹۳	۰/۲۲۸۸	۱/۲۱۶۴۸۷
عرض از مبدا	۶/۷۰۸۷۸۱	-۷/۸۱۶۱۷۹	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین		۰/۸۰۰۷۱۱		
آماره F		۵۸۳/۸۸۲۱		
احتمال آماره F		۰/۰۰۰۰۰۰		
دوربین واتسن		۱/۸۴۸۸۲۰		

جدول ۵- نتایج مدل رگرسیون فرضیه سوم

متغیر	ضرایب	آزمون-t	سطح معناداری	VIF
NOE*HIGHID*BIG-4	-۱/۲۵۱۵۷۷	-۲۸/۰۳۷۰۹	۰/۰۰۰۰	۱/۲۸۳۷۶۹
NOE*LOWID*NONBIG-4	۰/۸۴۳۳۰۰	۴۰/۵۶۸۸۲	۰/۰۰۰۰	۱/۲۷۲۰۱۱
DISX	۰/۵۸۳۲۲۶	۲/۱۴۴۰۱۷	۰/۰۳۲۳	۱/۳۸۳۰۳۶
PROD	-۰/۹۲۷۳۹۴	-۳/۵۸۵۳۹۱	۰/۰۰۰۴	۱/۱۵۸۳۰۴
ACC	-۰/۰۳۵۶۷۱	-۱/۹۲۰۴۶۶	۰/۰۵۵۲	۱/۱۰۳۶۵۴
SIZE	۰/۱۰۹۱۷۳	۰/۶۸۸۳۴۷	۰/۴۹۱۴	۱/۳۶۳۱۹۰
GROWTH	-۰/۴۱۷۷۱۵	-۲/۵۳۹۹۳۹	۰/۰۱۱۳	۱/۰۵۱۱۳۶
AGE	۰/۹۲۸۳۰۳	۳/۸۶۴۷۳۹	۰/۰۰۰۱	۱/۱۶۳۸۲۶
LEV	۰/۲۶۹۹۹۶	۱/۵۶۰۷۹۴	۰/۱۱۹۰	۱/۳۵۸۰۹۳
عرض از مبدا	-۵/۹۴۶۶۵۰	-۱۰/۲۶۱۶۱	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین		۰/۸۴۰۵۰۸		
آماره F		۱۱۷۹/۹۳۵		
احتمال آماره F		۰/۰۰۰۰۰۰		
دوربین واتسن		۱/۶۴۲۹۳۴		

## بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، تحلیل این موضوع بود، که مدیران مستقل و حسابرسان رتبه الف به چه میزان می‌توانند جلوی طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها را بگیرند. تغییر طبقه‌بندی یکی از تکنیک‌های کم‌هزینه‌ی مدیریت سود است، چرا که روی گزارشات آتی حسابداری اثر نمی‌گذارد (مک وی، ۲۰۰۶). شرکت‌ها از تغییر طبقه‌بندی استفاده می‌کنند چون سود اصلی شرکت را بالا می‌برد، و شرکت کنندگان بازار مالی نیز سود اصلی را در نظر می‌گیرند (گو و چن، ۲۰۰۴).

با اینکه مک وی (۲۰۰۶) توضیح می‌دهد که نظارت‌های داخلی و خارجی بسیار به ندرت خود را درگیر طبقه‌بندی هزینه‌ها می‌کنند، نتایج شواهد تجربی فراهم شده در این پژوهش نشان می‌دهند که شرکت‌های حسابرسی رتبه الف به همراه نسبت بالایی از استقلال هیئت مدیره نقش مهمی را در کاهش تغییر طبقه‌بندی ایفا می‌کنند. در این پژوهش با فراهم نمودن شواهدی مبنی بر اینکه تغییر طبقه‌بندی با حسابرسان و استقلال هیئت مدیره در ارتباط است، مطالعات موجود در زمینه‌ی تغییر طبقه‌بندی (باروآ و همکاران، ۲۰۱۰؛ فن و همکاران، ۲۰۱۰) گسترش یافت. یافته‌های این پژوهش برای نهادهای نظارتی، سرمایه‌گذاران، مدیران ارشد و وام‌دهندگان کاربردها و پیشنهاداتی دارد. سرمایه‌گذاران باید گزارش‌های مالی را به دقت مطالعه کرده و پیش از تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری، عملکرد کاری شرکت را به طور لحظه‌ای بررسی کنند. این یافته‌ها روش نوینی از مدیریت سود را به هیئت مدیره و مدیران داخلی و مستقل نشان می‌دهند؛ روشی که تشخیص آن دشوار است. توانایی و تمایل مدیر به تشخیص طبقه‌بندی نادرست تحت تأثیر فضای قانونی‌ای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند قرار دارد (دسائی و ناگار، ۲۰۱۶). این امر دولت و نهادهای نظارتی را ملزم می‌کند که قوانین و مقررات را سخت‌گیرانه‌تر کنند، که می‌تواند یک محیط قانونی سخت‌گیرانه ایجاد کند که در آن اقدامات تغییر طبقه‌بندی می‌تواند مهار شود. این بدان معناست که نهادهای نظارتی و استانداردهای تنظیم حسابداری باید سیاست‌ها و چارچوب‌هایی را برای محدود کردن فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی طراحی کنند. الزامات افشای درآمد، هزینه‌ها و جریان نقدی باید دقیق‌تر باشند. پس از ارزیابی دقیق عملکرد عملیاتی، وام‌دهندگان نیز باید صورت‌های مالی را به دقت ارزیابی کرده و تصمیم به اعطای وام بگیرند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدیران مستقل از منافع سهامداران

محافظت می‌کنند (رزنشتین و ویات، ۱۹۹۰) و می‌توانند به عنوان محافظ سهامداران اقلیت در نظر گرفته شوند (سواراجیا، ۲۰۲۱). با اینحال، اعتماد به مدیران مستقل به دلایل زیر، زیر سوال می‌رود (سواراجیا، ۲۰۲۱):

۱. انگیزه‌ی غیراخلاقی: مدیران مستقل مسائل مربوط به تغییر طبقه‌بندی یا نگرانی در مورد تصمیمات اشتباه شرکت را مطرح نمی‌کنند، زیرا با شرکت کمتر در جلسات هیئت مدیره، درآمد زیادی کسب می‌کنند.

۲. فرآیند انتخاب معیوب: شرکت‌هایی که توسط مؤسسين اداره می‌شوند معمولاً مدیران قابل اعتماد را ترجیح می‌دهند و بنابراین، دوستان و خانواده‌های مؤسس این پست‌ها را اشغال می‌کنند. این نشان می‌دهد که قانون‌گذاران باید سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که مدیران مستقل را واقعاً مستقل کنند تا از سهامداران محافظت کنند، و افراد متخصص در زمینه‌ی حسابرسی/قانون/امور مالی/حسابداری باید اجازه داشته باشند که چنین نقش‌های مهمی را ایفا کنند.

علاوه بر این، بررسی نقش مدیران مستقل و شرکت‌های حسابرسی رتبه الف، در تغییر طبقه‌بندی، شکاف موجود در ادبیات را پر می‌کند. مخصوصاً اینکه مطالعات گذشته در محیطی انجام شده‌اند که به خوبی در چارچوب استانداردهای حسابداری، تنظیم شده‌اند، مانند کار با اقلام تعهدی (حسین و همکاران، ۲۰۱۱؛ پیژنل و همکاران، ۲۰۰۵).

با توجه به جدیدترین مطالعات، اندازه‌گیری مدیریت سود چالش برانگیز است و بنابراین، یافته‌های این مطالعه می‌توانند توضیحی برای سوگیری تغییر طبقه‌بندی باشند. علاوه بر این، پژوهش‌های آتی بهتر است انگیزه‌ی شرکت‌ها به انجام تغییر طبقه‌بندی را در نظر بگیرند. پژوهش‌های آینده می‌توانند از مدیران مستقل و شرکت‌های حسابرسی رتبه الف نظرسنجی کنند تا مکانیسم مهار فعالیت‌های تغییر طبقه‌بندی را تعیین نمایند. در نهایت بر اساس نتایج پژوهش می‌توان استنباط کرد از آنجایی که شرکت‌های حسابرسی بزرگ هزینه‌های سنگینی را جهت حسابرسی دریافت می‌کنند (کیم و همکاران، ۲۰۰۳) بنابراین، بیشتر دغدغه‌ی اعتبار خود را دارند. از این رو، شرکت‌های حسابرسی بزرگ یا رتبه الف نسبت به همتایان خود، خدمات بهتری را ارائه می‌دهند.

<sup>4</sup> Swarajya

<sup>5</sup> Hossain et al

<sup>6</sup> Peasnell et al

<sup>1</sup> Gu and Chen

<sup>2</sup> Desai and Nagar, 2016

<sup>3</sup> Rosenstein and Wyatt

## فهرست منابع

- Bansal, M. (2023). Debt covenants and classification shifting: moderating role of audit quality. *Managerial Finance*.
- Barua, A., Davidson, L. F., Rama, D. V., & Thiruvadi, S. (2010). CFO gender and accruals quality. *Accounting Horizons*, 24(1), 25-39.
- Beasley, M. S. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. *Accounting review*, 443-465.
- Be´dard, J., Chtourou, S. M., & Courteau, L. (2004). The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management. *Auditing: A journal of practice & theory*, 23(2), 13-35.
- Cohen, D. A., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of accounting and Economics*, 50(1), 2-19.
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3(3), 183-199.
- Dechow, P. M., & Schrand, C. M. (2004). *Earnings quality*. (2004): 3927
- Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *Accounting review*, 193-225.
- Desai, N., & Nagar, N. (2016). A research note: Are auditors unable to detect classification shifting or merely not willing to report it? Evidence from India. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12(2), 111-120.
- Fama, E. F. (1980). Agency problems and the theory of the firm. *Journal of political economy*, 88(2), 288-307.
- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and Economics*, 26(2), 301-325.
- Fan, Y., Barua, A., Cready, W. M., & Thomas, W. B. (2010). Managing earnings using classification shifting: Evidence from quarterly special items. *The Accounting Review*, 85(4), 1303-1323.
- Farnsel, C., & Ha, K. (2024). Do socially responsible firms demonstrate a preference for using classification shifting to manage earnings?. *Advances in Accounting*, 100763.
- Gul, F. A., Fung, S. Y. K., & Jaggi, B. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of accounting and Economics*, 47(3), 265-287.
- Haw, I. M., Ho, S. S., & Li, A. Y. (2011). Corporate governance and earnings management by classification shifting. *Contemporary Accounting Research*, 28(2), 517-553.
- Jones, J. J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of accounting research*, 29(2), 193-228.
- Jones, M. J. (2010). *Creative accounting, fraud and international accounting scandals*. John Wiley & Sons.
- Kim, J. B., Chung, R., & Firth, M. (2003). Auditor conservatism, asymmetric monitoring, and
- ابراهیمی، مهنوش، حاجیهها، زهره، حنیفی، فرهاد، و شاهوردیانی، شادی. (۱۴۰۴). مدل‌سازی نحوه اثرگذاری مدیریت سود واقعی و تعهدی بر دستکاری قیمت در چرخه‌های تجاری مختلف. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۴(۵۳)، ۲۰۱-۲۱۹.
- اخلاقی یزدی نژاد، اسماعیل، نورانی، حسین. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر استقلال هیئت مدیره بر رابطه میان ویژگی‌های حسابرسی و تاخیر در گزارش حسابرسی، اولین کنفرانس بین‌المللی توانمندی مدیریت، مهندسی صنایع، حسابداری و اقتصاد، بابل.
- حساس خلاصی، مریم، وطن پرست، محمدرضا، و شبگو منصف، سید محمود. (۱۴۰۲). تاثیر اطلاع‌رسانی مطبوعات تجاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقدام تعهدی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۴۶)، ۵۲۷-۵۴۲.
- خدایی وله زاقرد، محمد، اسکریان، هاله، و یزدانی مقدم، سعید. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت سود و استقلال هیات مدیره. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*.
- قابطی، مسلم، خدادادی، ولی، جرجزاده، علیرضا، و کعب عمیر، احمد. (۱۴۰۳). بررسی تاثیر مکانیزم‌های مدیریت سود تعهدی بر توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۳(۵۰)، ۴۵-۶۰.
- Akhlaghi Yazdinejad, Ismail, Noorani, Hossein. (2023). Examining the effect of independence of the board of directors on the relationship between audit characteristics and delay in the audit report, *the first international conference on management capability, industrial engineering, accounting and economics, Babol*.
- Alfonso, E., Cheng, C. A., & Pan, S. (2015). Income classification shifting and mispricing of core earnings. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 0148558X15571738.
- Athanasakou, V. E., Strong, N. C., & Walker, M. (2009). Earnings management or forecast guidance to meet analyst expectations?. *Accounting and business research*, 39(1), 3-35.
- Athanasakou, V., Strong, N. C., & Walker, M. (2011). The market reward for achieving analyst earnings expectations: Does managing expectations or earnings matter?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 38(1-2), 58-94.
- Bansal, M. (2021). Influence of firm size and firm age on classification shifting: an empirical study on listed firms in India. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 19(5), 772-792.
- Bansal, M., Kumar, A., & Badhani, K. N. (2021). Do Indian firms engage in classification shifting to report inflated core earnings?. *Managerial Finance*, 47(11), 1533-1552.

- Simunic, D. A., & Stein, M. T. (1987). Product differentiation in auditing: Auditor choice in the market for unseasoned new issues. (*No Title*).
- Siu, D. T., & Faff, R. W. (2013). Management of core earnings using classification shifting around seasoned equity offerings. *Available at SSRN 1928578*.
- Zalata, A., & Roberts, C. (2016). Internal corporate governance and classification shifting practices: An analysis of UK corporate behavior. *Journal of Accounting, Auditing & Finance, 31*(1), 51-78.
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The accounting review, 87*(2), 675-703.
- earnings management. *Contemporary accounting research, 20*(2), 323-359.
- Khodaei Valehzaghard, Mohammad, Askarian, Hale, and Yazdani Moghadam, Saeed. (2016). Examining the relationship between profit management and independence of the board of directors. *International conference on new researches in management, economy and accounting*.
- Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of accounting and economics, 39*(1), 163-197.
- Krishnan, G. V. (2003). Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management?. *Accounting horizons, 17*, 1-16.
- Lougee, B. A., & Marquardt, C. A. (2004). Earnings informativeness and strategic disclosure: An empirical examination of "pro forma" earnings. *The Accounting Review, 79*(3), 769-795.
- RL, M., & Mishra, A. K. (2021). Exploring the role of family ownership in internationalization: empirical investigation of Indian firms. *Review of International Business and Strategy, 31*(1), 1-15.
- McVay, S. E. (2006). Earnings management using classification shifting: An examination of core earnings and special items. *The accounting review, 81*(3), 501-531.
- Nagar, N., & Raithatha, M. (2016). Does good corporate governance constrain cash flow manipulation? Evidence from India. *Managerial Finance, 42*(11), 1034-1053.
- Nagar, N., & Sen, K. (2016a). Earnings management in India: Managers' fixation on operating profits. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 26*, 1-12.
- Nagar, N., & Sen, K. (2016b). How does regulation affect the relation between family control and reported cash flows? Comparative evidence from India and the United States. *Corporate Governance: An International Review, 24*(5), 490-508.
- Nagar, N., & Sen, K. (2017). Classification shifting: Impact of firm life cycle. *Journal of Financial Reporting and Accounting, 15*(2), 180-197.
- Nagar, N., Desai, N., & Jacob, J. (2021). Do Big 4 auditors limit classification shifting? Evidence from India. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 42*, 100376.
- Narayananaswamy, R., Raghunandan, K., & Rama, D. V. (2012). Corporate governance in the Indian context. *Accounting Horizons, 26*(3), 583-599.
- Nelson, M. W., Elliott, J. A., & Tarpley, R. L. (2002). Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions. *The accounting review, 77*(s-1), 175-202.
- Paiva, I. S., Lourenço, I. C., & Dias Curto, J. (2019). Earnings management in family versus non-family firms: the influence of analyst coverage. *Spanish Journal of Finance and Accounting/Revista Española de Financiación y Contabilidad, 48*(2), 113-133.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of accounting and economics, 42*(3), 335-370.



*Accounting Knowledge & Management Auditing*

*Vol. 16/ No. 63/ Autumn 2027*

## **Assessing the moderating role of the quality rating of audit institutions on the relationship between the independence of the board of directors and the change in classification in the Tehran Stock Exchange**

**Fraydoon Rahnamay Roodposhti**

Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Anahita Zendi**

Assistant Professor, Department of Accounting, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Abstract**

This research attempts to analyze the extent to which independent directors and the quality rating of audit institutions can prevent the misclassification of expenses. Using the considered limitations, 152 companies were selected as the research sample in the period of 2013-2022. In order to test the research hypotheses, multivariate linear regression based on panel data has been used. In this research, Board independence is measured by taking the proportion of independent directors on a firm's board and classification change is measured from the core earnings expectation model. The results of research hypotheses show that companies that have a higher proportion of independent directors in their board of directors are more efficient in limiting the change of cost classification. In addition, the companies that A-level auditors audit have a significant role in controlling the change in cost classification. Overall, the results also show that A-rated audit firms have a significant effect on the relationship between board independence and classification change. The results of this research have applications for investors, management, analysts, and policy makers. Also, the findings of this research show a new method of profit management to the board of directors and internal and independent managers; A method that is difficult to detect.

**Keyword:** Profit management, classification change, Board independence, quality rating of audit firms.